

بازتاب سیاست ضدامپریالیسم شوروی در مطبوعات حزب توده (۱۳۳۲-۱۳۳۰ش.)

زهرا سرگزی^۱

محسن رحمتی^۲

سید علاءالدین شاهرخی^۳

چکیده

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا به عنوان مدافع استقلال و تمامیت ارضی ایران ظاهر شد و از سیاست‌های استعماری شوروی و انگلیس در ایران انتقاد کرد. دولت شوروی نیز به واسطه همکاری با انگلیس و آمریکا در طول جنگ، از انزوای سیاسی بیرون آمد و در عرصه سیاست جهانی تبدیل به یک وزنه شد. سردمداران شوروی برای رقابت و مبارزه با توسعه‌طلبی آمریکا در خاورمیانه و ایران، به جای استعمار از اصطلاح امپریالیسم استفاده کرده و آمریکا را مصداق آن قلمداد می‌کردند. با تشکیل حزب توده در ایران، مأموریت مقابله با نفوذ آمریکا به آنها واگذار شد. این پژوهش بر آن است تا با شیوه توصیفی-تحلیلی نشان دهد که مطبوعات این حزب از جمله روزنامه شهپاز به عنوان ارگان جمعیت ملی مبارزه با استعمار، بانگ مردم، بسوی آینده، مصلحت و دیگر روزنامه‌های وابسته، چگونه تبلیغات کمونیستی شوروی علیه امپریالیسم آمریکا را بازتاب می‌دادند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که حجم درخور توجهی از مطالب مطبوعات حزب توده در دوره مورد مطالعه، مبتنی بر نوعی آمریکاستیزی در قالب تقبیح حضور مستشاران آمریکایی، معرفی شوروی به عنوان نماد صلح بین‌المللی و تبلیغ رابطه با آن قرار داشت و نیز گزیده محورهای فعالیت مطبوعات حزب توده، تأمین سیاست‌های کمونیستی شوروی در ایران بود.

واژگان کلیدی:

ایران، شوروی، سیاست ضدامپریالیسم، حزب توده، مطبوعات.

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان- ایران z.sargazi7@gmail.com

^۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان- ایران (نویسنده مسئول) rahmati.mo@lu.ac.ir

^۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان- ایران shahrokhi41@gmail.com

مقدمه

از اواسط سال ۱۳۲۰ش. / ۱۹۴۱م. آمریکا به اهمیت ایران به‌عنوان کشوری در خط مقدم مقابله با کمونیسم پی برد. در همین زمان با بازشدن راه تأمین تدارکات برای شوروی از طریق خطوط ارتباطی، حضور آمریکا در ایران افزایش یافت. بنا به درخواست دولت ایران از آمریکا، آرتور میلیسپو به‌عنوان مستشار مالی برای بار دوم در سال ۱۳۲۱ش. / ۱۹۴۲م. وارد ایران شد. در نتیجه اقداماتی که میلیسپو طی دو سال به‌عنوان رئیس‌کل دارایی انجام داد، نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا در ایران افزایش یافت (لنزوسکی، ۱۳۵۳: ۲۹۷-۲۹۴). پس از جنگ، استراتژی سیاست خارجی آمریکا در ایران ایجاد کشوری باثبات در منطقه خاورمیانه بود. ایران نیز در نظر داشت از آمریکا به‌عنوان نیروی سوم به‌منظور ایجاد توازن بین دو قدرت شوروی و انگلیس استفاده کند. به‌دنبال این سیاست‌ها، شرکت‌های نفتی آمریکا از جمله استاندارد واکيوم وارد ایران شدند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۸۸). در نتیجه، شوروی نیز خواستار اعطای امتیاز نفت شمال گردید؛ اما با تصمیم مجلس، اعطای امتیاز نفت به‌طور موقت کنار گذاشته شد. تحت تأثیر نظام دوقطبی میان آمریکا و شوروی، آمریکا برای نفوذ بیشتر در تحولات اقتصادی، سیاسی و نفتی ایران به اقدامات مختلفی از جمله کمک‌های اقتصادی روی آورد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۳: ۴۸) که منجر به حضور پررنگ این کشور در ایران شد. متعاقب پیشنهاد نفتی آمریکا، کافتارادزه معاون وزیر خارجه شوروی نیز خواسته‌های مشابهی را در باره نفت ایالات شمالی مطرح کرد. این درخواست از سوی شوروی، حزب توده را وادار کرد که از مخالفت قبلی با امتیازهای خارجی دست بردارد و با دستگاه تبلیغاتی خود، افکار عمومی را از پشتیبانی نخست‌وزیر بازدارد. ساعد در اثر فشار شوروی استعفا کرد (کاشانی، ۱۳۹۸: ۲۶).

با تشکیل کابینه بیات، مجلس طرح منع دولت از مذاکره با دولت‌های خارجی را تصویب کرد که تأیید شد و کافتارادزه ایران را ترک کرد. نیروهای انگلیس و آمریکا با پایان جنگ از ایران خارج شدند؛ اما شوروی از تخلیه خاک ایران خودداری کرد. دولت حکیمی که قادر به حل مشکل نبود، از شوروی به‌دلیل تخلیه‌نکردن ایران به سازمان ملل شکایت و استعفا کرد. در زمان نخست‌وزیری قوام، موافقتنامه قوام- سادچیکف منعقد شد که بر اساس آن، نیروهای شوروی می‌بایست در اردیبهشت ۱۳۲۵ش. / ۱۹۴۶م. ایران را تخلیه می‌کردند و شرکت نفت مختلط دو کشور تشکیل می‌گردید. در نتیجه، شوروی از حمایت دمکرات‌های آذربایجان و کردستان دست برداشت و با وعده قوام منتظر تشکیل مجلس جدید شد

(عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۹۴). در مجلس پانزدهم نیز با قرارداد موافقت نشد، در نتیجه کافتارادزه ایران را ترک کرد. با روی کار آمدن دوباره دولت ساعد در آبان ۱۳۲۷ش. / ۱۹۴۸م.، حزب توده در نتیجه سوء قصد به شاه در بهمن آن سال، غیرقانونی اعلام شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۷). جبهه ملی در مجلس شانزدهم، نفت را ملی اعلام کرد و مصدق نخست‌وزیری را منوط به پذیرش طرح نه ماده‌ای اجرای ملی‌شدن صنعت نفت قرار داد.

در این زمان، حزب توده مخفیانه به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد و با تشکیل گروه‌هایی با نام‌های مختلف و تبلیغ و زمینه‌سازی جهت توسعه سلطه شوروی بر ایران، روزنامه‌های بسیاری منتشر می‌کرد؛ از جمله آنها بسوی آینده، شهباز، مصلحت و شجاعت بود که شهباز، روزنامه‌ای عصرگاهی با مدیریت رحیم نامور بود و به صورت منظم از مهر ۱۳۳۰ش. تا ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ش. / ۱۹۵۱م. تا ۱۹۵۳م. منتشر می‌شد و با توقیف آن، با عناوین دیگری از جمله ندای خلق، سنگر صلح، دنیای صلح، زبان خلق، آدینه، تجربه، گوشزد، آذربایجان غیور، سرود پیروزی، خلع سلاح، زبان خلق، برای فردا و ضرغام شرق انتشار یافت؛ اما از آذر ۱۳۳۱ش. تا ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ش. / ۱۹۵۲م. تا ۱۹۵۳م. بدون توقیف با نام شهباز منتشر گردید. این روزنامه ارگان جمعیت ملی مبارزه با استعمار حزب توده بود که به‌عنوان دستگاهی تبلیغی به مسائل سیاسی و اجتماعی از جمله تعریف و تمجید از سیاست‌های شوروی، انتقاد از سیاست‌های آمریکا و انگلیس و ایران می‌پرداخت. مطبوعات حزب توده با نوشته‌های خود از همان ابتدا در حال آماده‌سازی اذهان عمومی برای بهره‌برداری در جهت منافع کمونیستی شوروی بودند.

پرسش محوری پژوهش حاضر این است که مطبوعات این حزب در دوران نهضت ملی ایران چگونه سیاست‌های کمونیستی و ضدامپریالیسم را بازتاب می‌دادند. در رابطه با موضوع حاضر، آثاری چند نگاشته شده‌اند که به‌نحوی می‌توانند پیشینه پژوهش در نظر گرفته شوند. اول، تحقیقاتی که در رابطه با روابط خارجی ایران و حضور قدرت‌های بزرگ در این زمان انجام شده‌اند؛ مثل اسناد روابط خارجی آمریکا در باره نهضت ملی‌شدن نفت ایران (هوشنگ‌مهدوی و اندرودی، ۱۳۷۷) که برخی مطالب راجع به تلاش‌های حزب توده در این زمینه را به اختصار آورده‌اند. دوم، پژوهش‌هایی که در باره تاریخچه، فعالیت، کارکرد، شعبات کمونیست‌ها و حزب توده هستند و به این موضوع هم به اختصار اشاره کرده‌اند؛ مانند تاریخ جنبش کمونیستی در ایران (ذبیح، ۱۳۷۸) که اشاراتی به فعالیت‌های حزب توده در همراهی با سیاست شوروی در ایران در دوره نهضت ملی دارد. سوم، پژوهش‌هایی که در باره تحولات و حوادث سیاسی- اجتماعی ایران بعد از جنگ جهانی دوم انجام شده‌اند؛ مثل (آبراهامیان،

۱۳۷۷ و رحمانیان، ۱۳۹۱) که در بخشی از مطالب خود در باره فعالیت‌های حزب توده و رقابت میان شوروی و آمریکا مطالبی نوشته‌اند. چهارم، پژوهش‌هایی هستند که به مسائل جنگ سرد و رقابت میان شوروی و غرب به‌طور کلان و خارج از جغرافیای خاص پرداخته‌اند (سعادت‌مند، ۱۳۴۰) و به رقابت شوروی و آمریکا در ایران و حزب توده اشاراتی کرده‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات یادشده آن است که با تمرکز بر مطبوعات حزب توده و تأکید بر روزنامه شهباز به‌عنوان برگه‌ای از تاریخ روزنامه‌نگاری حزب توده در دوره معاصر ایران، خلأ موجود در این زمینه را به طریق توصیفی - تحلیلی مرتفع می‌سازد.

سیاست‌های کمونیستی شوروی بعد از جنگ جهانی دوم

اساس سیاست خارجی شوروی قبل از جنگ جهانی دوم، جلوگیری از هرگونه دسته‌بندی بین‌المللی بود؛ زیرا به‌رغم رسمیت‌یافتن رژیم شوروی نزد دولت‌های بزرگ، تبلیغات ضدکمونیستی وجود داشت (ابی‌نا، [بی‌تا]: ۱۲۲). با این حال، شوروی در ۱۳۱۳ ش./ ۱۹۳۷ م. به عضویت جامعه ملل پذیرفته شد و جمهوری روسیه، اوکراین، بلاروس، آذربایجان شوروی، گرجستان، ارمنستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان را شامل گشت. جنگ جهانی دوم موجب شد که تشکیل امپراتوری‌های استعماری به‌منظور کسب قدرت منسوخ شود و متغیرهای جدیدی علیه استعمار وارد صحنه روابط بین‌الملل شدند. اتحاد جماهیر شوروی به‌دلیل اولویت‌های ایدئولوژیک مبارزه با توسعه کمونیسم، به قدرت‌های اروپایی اعتمادی نداشت و کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین به سازمان ملل متحد به‌عنوان اهرمی جهت آزادی سرزمین‌های مستعمره متوسل شدند و علیه استعمار دست به اقدام و مبارزه زدند که در نتیجه در طول بیست سال بعد، استعمارزدایی به‌عنوان مسئله‌ای اصلی در صحنه روابط بین‌المللی گسترش یافت (شارل موژه، ۱۳۷۷: ۲۱۹).

تبلیغات شوروی در ایران پس از جنگ دوم جهانی از طریق روزنامه و رادیو صورت می‌گرفت و عمدتاً بر ضد دولت، طبقات مرفه و فعالیت‌های آمریکا و انگلیس بود (دانشگاه جرج واشنگتن، ۱۳۹۱: ۶۸). تلاش برای تجزیه آذربایجان و تشکیل حکومت کردستان از جمله اقداماتی بود که با حمایت شوروی انجام گرفت و در نتیجه، کشورهای منطقه خاورمیانه تدابیر درخور توجهی علیه احزاب کمونیست در نظر گرفتند و آمریکا نیز در اثر این اقدامات، آموزه ترومن را مطرح کرد (ولیان، ۱۳۴۵: ۲۲۲). در دوران نهضت ملی ایران، انگلیس به تلاش‌های خود برای اخلال در مذاکره نفت ادامه داد. نخستین اقدام انگلستان برای

مقابله با ملی شدن صنعت نفت، اقدامات دیپلماتیک از جمله ارجاع مسئله به دیوان بین‌المللی لاهه، تحمیل مجازات سخت اقتصادی و همچنین تحریکات نظامی بود (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۱۴). در این زمان، دولت معتقد بود که آمریکا برخلاف انگلستان اهداف استعماری ندارد و آن را طرفدار ملل محروم می‌دید (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۵۴). آمریکا توسعه سیاست خارجی شوروی در ایران را خطری بزرگ برای امنیت منطقه می‌دانست. حمایت شوروی از ایران در دوران نهضت ملی از حد حرف فراتر نرفت (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۱: ۱۹۷) و استالین حمایت خود از مصدق را منوط به پیوستن او به بلوک شرقی کرد؛ نظیر آنچه جمال عبدالناصر انجام داد (کولایی، ۱۳۷۹: ۷۲)، اما به تدریج این حمایت اندک نیز برداشته شد.

پس از لغو قرارداد الحاقی گس-گلشایان، حزب توده با عنوان جمعیت ملی مبارزه با نفت جنوب به مبارزه با ملت برخاست. این جمعیت، شعار ضدملی و دیکته‌شده شرکت نفت یعنی شعار لغو قرارداد نفت جنوب را مطرح کرد و تقاضای لغو قرارداد را داشت. حزب توده در اثر فشار افکار عمومی، ملی شدن نفت را با تغییر نام "جمعیت ملی مبارزه با نفت جنوب" به "جمعیت ملی مبارزه با شرکت‌های استعماری" پذیرفت؛ اما نه در سراسر ایران، بلکه فقط خواهان ملی شدن نفت جنوب بود و پس از آن به "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" تغییر نام داد. این جمعیت در ۲۰ بهمن ۱۳۲۹ش. / ۱۹۵۰م. تشکیل شد و اهداف آن عبارت بودند از:

۱. اعلام رسمی بطلان امتیاز نفت ایران و انگلیس و ملی کردن آن؛ ۲. ریشه‌کن کردن کامل نفوذ سیاسی و اقتصادی شرکت و عواملش آنها از همان ابتدا خواستار اتحاد تمامی نیروهای ضداستعمار کشور در اردوگاهی واحد برای مبارزه با استعمار طبق برنامه جامع مبارزه ضد شرکت نفت بودند (نوید آینده، ۱۳۲۹: ش ۱/۵). شمس زنجانی به‌عنوان دبیر، صادق وزیری به‌عنوان نماینده و نورالدین کیانوری به‌عنوان رهبر جمعیت انتخاب شدند. روزنامه جمعیت، شهباز نام گرفت و رحیم نامور مدیریت آن را برعهده داشت (بختیار، ۱۳۳۶: ۲۴۰).

تجمع‌هایی که توسط این جمعیت ترتیب داده می‌شدند، اغتشاشات و زدوخوردهایی که در اثر تظاهرات شکل می‌گرفتند، همه به زبان ملت ایران بودند و دشمنان ملت از آن بهره‌برداری می‌کردند. جمعیت اولین گردهمایی عظیم خود را در ۲۷ بهمن ۱۳۲۹ش. / ۱۹۵۰م. در میدان بهارستان برای ابراز نظر در باره مسئله مبارزه با شرکت نفت جنوب تشکیل داد (نوید آینده، ۱۳۲۹: ش ۱/۹). این حزب همچنین با انتشار روزنامه‌هایی با عناوین مختلف به‌گمان خود سعی در مبارزه با استعمار آمریکا و یا همان امپریالیسم موردنظر کمونیست‌ها داشت. محتوای تبلیغات این روزنامه‌ها بر دو محور بود: اول، تقبیح فعالیت‌های

آمریکا مثل تلاش ایران برای جلب توافق با آمریکا در زمینه صنعت نفت و ورود مستشاران آمریکایی و در نتیجه ازدیاد نفوذ آمریکا در ایران؛ دوم، تبلیغ سیاست‌های شوروی و معرفی آن به عنوان قدرت مطلوب و نماد صلح بین‌الملل و همچنین تبلیغ و تأکید بر رابطه بین شوروی با دولت‌های اقماری آن در بلوک شرق به عنوان رابطه‌ای مناسب و الگوی درخور توجه که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

تقبیح حضور آمریکا در ایران

دیدگاه ایرانیان به غرب همیشه ترکیبی از تمجید و کینه‌ورزی همراه با ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی بود؛ اما حزب توده در مطبوعات خود نگرش جدیدی را مطرح کرد که در وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران تأثیر گذارد. در این نگرش، نه تنها غرب هیچ پدیده مثبتی نداشت، بلکه مسبب همه ضعف‌ها و مصائب ایران بود. در حقیقت، این مطبوعات با تشدید فضای غرب‌ستیزی، نگرش جامعه ایران را به غرب کاملاً بدبینانه کردند و بر شکل‌گیری این اندیشه در ایران تأثیر گذاشتند. این موضوع را در دو بخش می‌توان دید.

الف. حزب توده و مذاکرات ایران و آمریکا در باره نفت

در دوره مظفرالدین شاه، ویلیام دارسی انگلیسی توانست حق بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران را به مدت ۶۶ سال به دست آورد. با آغاز بیداری ملت ایران و مشروطیت، نارضایتی مردم از قرارداد دارسی افزایش یافت و در دوره پهلوی اول به دلیل ناچیزبودن حق امتیاز ایران لغو شد. مذاکرات میان نمایندگان دولت ایران و شرکت نفت آغاز شد و قرارداد ۱۳۱۲ ش. / ۱۹۳۳ م. به امضا رسید که سهم ایران به چهار شیلینگ از هر تن و ۲۰ درصد سود سالیانه افزایش یافت. در ۱۳۰۴ ش. / ۱۹۲۷ م. شرکتی به نام "شرکت سهامی کویر خوریان" بر اساس فرمانی مربوط به دوره ناصرالدین شاه تأسیس شد و ۶۵ درصد سهام آن در اختیار بانک روسیه قرار گرفت. پس از جنگ جهانی دوم، دو شرکت آمریکایی نمایندگانی به ایران فرستادند تا برای به دست آوردن امتیاز نفت با دولت مذاکره کنند. دولت شوروی با اطلاع از این موضوع در شهریور ۱۳۲۳ ش. / ۱۹۴۴ م. هیئتی به ریاست کافتارادزه معاون وزیر خارجه شوروی برای مذاکره با دولت ساعد و تقاضای امتیاز نفت شمال به ایران فرستاد (روحانی، ۱۳۵۲: ۶۲)، اما دولت ساعد هرگونه مذاکره را موقوف به پایان جنگ کرد. در بهمن ۱۳۲۴ ش. / ۱۹۴۵ م. احمد قوام به نخست‌وزیری رسید و برای اصلاح روابط ایران و شوروی

به مسکو رفت. در نتیجه، تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به بعد از تخلیه ایران از ارتش شوروی موکول گردید (پیرنیا، ۱۳۳۱: ۱۸).

پس از تخلیه خاک ایران توسط ارتش شوروی، مجلس چهاردهم قانونی به تصویب رساند که اعطای هرگونه امتیاز نفت به دولت‌های خارجی را ممنوع می‌کرد و در مورد تضييع حقوق ملت ایران در صنعت نفت اقداماتی از جمله مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران آغاز شد (فاتح، ۱۳۳۵: ۳۸). با ملی‌شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری مصدق، شرکت سابق نفت برای ادامه عملیات در جنوب و رفع اختلاف فوری، هیئتی را به ریاست جکسن در خرداد ۱۳۲۹ش / ۱۹۴۵م. به تهران اعزام کرد که پیشنهادهای این هیأت رد شدند (موحد، ۱۳۸۴: ۵۷). پس از خروج جکسن از ایران، هیئتی به ریاست استوکس به ایران آمد و پیشنهادهای خود را در اعلامیه‌ای مطرح کرد. مطبوعات حزب توده نیز تا ۱۳۲۹ش / ۱۹۴۵م. در باره نفت و مذاکرات نفتی اظهارنظری نمی‌کردند؛ اما در این زمان، حزب به تشکیل جمعیت ملی مبارزه با استعمار و انتشار روزنامه عصرگاهی شهباز روی آورد. در مقاله‌ها، واکنش‌ها به مذاکرات نفت تند بود و از دولت خواسته می‌شد از تلاش‌های تجاوزکارانه امپریالیسم جلوگیری کند. در همین راستا، در شماره‌های مختلف از مردم برای شرکت در گردهمایی‌هایی برای نشان‌دادن اعتراض خود به امپریالیسم دعوت می‌کردند تا اوضاع کشور را متشنج جلوه دهند. پس از به‌رسمیت‌شناختن قانون ملی‌کردن نفت از سوی دولت انگلستان، ریچارد استوکس مَهردار سلطنتی این کشور با ورود به ایران، پیشنهادهایی از جمله تشکیل سازمان خرید و تأدیه در پرداخت غرامت را تسلیم نمایندگان دولت کرد. حزب توده در واکنش به ورود استوکس در مطبوعات پیشنهادهای مطرح‌شده را نشان از ماهیت زشت و نیات پلید هیئت انگلیسی دانست و لحن استوکس را لحن یک مستعمره‌دار با مستعمره خود معرفی کرد (بسوی آینده، ۱۳۳۰: ۱/۲۴۵).

در نتیجه به‌بن‌بست‌رسیدن مذاکرات ایران و شرکت نفت، بانک بین‌المللی برای صدور نفت ایران اعلام آمادگی نمود. در این پیشنهادها، بانک به‌عنوان واسطه میان شرکت نفت و ایران عملیات تولید و فروش نفت را برعهده می‌گرفت و این در واقع با قانون ملی‌کردن نفت ناسازگار نبود؛ اما بانک بین‌المللی از طرف مطبوعات حزب توده مؤسسه‌ای امپریالیستی نامیده شد که به دست آمریکایی‌ها می‌چرخد و ۶۰ درصد سهام آن متعلق به امپریالیست‌های آمریکایی است. دخالت‌دادن این بانک در امور نفت ایران به هر شکل و به هر عنوان که بود، مخالف قانون ملی‌کردن نفت عنوان شد (شهباز، ۱۳۳۰: ۱/۱۰۵).

روزنامه نامه آذربایجان در مقاله‌ای، مذاکره با رابرت گارنر قائم‌مقام بانک بین‌المللی را خیانت به نهضت ضداستعماری ملت ایران معرفی کرد که بین‌المللی کردن نفت را به‌جای ملی‌شدن قالب می‌زد (همان، ۱۳۳۰: ش ۱/۵). از نظر مطبوعات، این قسم از نمایندگی‌ها به‌کل اختیار و حقوق موکل را زیر پا می‌گذاشت و برای پوشاندن ماهیت مداخله امپریالیستی آمریکا سرپوش بسیار مناسبی بود. دولت انگلستان دادخواستی علیه ایران تقدیم دادگاه لاهه کرد تا ایران موظف شود اختلاف خود با شرکت نفت ایران و انگلیس را به داوری رجوع دهد و یا به شرکت غرامت پرداخت کند. در این زمان، روزنامه‌ها از تشکیل دیوان بین‌المللی با عنوان کم‌دی نام بردند که سعی داشت نقشه تصاحب منابع نفتی توسط آمریکا را اجرا کند (عصر نو، ۱۳۳۱: ش ۱/۵۷۹).

بزرگ‌ترین علت دشمنی حزب توده با آمریکا، امپریالیسم نبود، بلکه می‌خواستند در سایه این جوسازی، مسئله نفت به‌نفع انگلیس حل نشود. پس از خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران و صدور رأی دیوان جهانی دادگستری مبنی بر نداشتن صلاحیت برای رسیدگی به شکایت انگلستان علیه ایران، چند پیشنهاد از سوی آمریکا و انگلستان داده شد که به پیشنهادهای مشترک چرچیل - ترومن معروف شدند؛ اما با رد آنها از طرف ایران که موضوع غرامت بابت ملی‌شدن را مطرح می‌کردند، روزنامه ضداستعمار در مقاله خود در مخالفت با این پیشنهاد نوشت: «ملت ایران حاضر نیست حتی یک دینار غرامت به انگلیسی‌ها بپردازد. شرکت سابق پنجاه سال میلیاردها دارایی ملت فقیر و رنج‌دیده ایران را دزدیده است، اگر قرار است مجدد مذاکره با نمایندگان انگلیس شروع شود، باید برای رفع مشکلات مربوط به فروش، رسیدگی به محاسبات پنجاه‌ساله شرکت سابق و تعیین و تحویل خسارات وارده بر ملت ایران، نه پرداخت غرامت باشد.» (ضداستعمار، ۱۳۳۱: ش ۱/۶۳۴) و به‌نوعی، پذیرش پیشنهاد ترومن - چرچیل را پذیرش طرح گارنر و استوکس دانستند. این مطبوعات خود را نماینده ملت ایران معرفی می‌کردند و با تهدید به تشکیل گردهمایی‌ها، با حل سیاسی موضوع نفت مخالف بودند و آن را مداخله امپریالیسم آمریکا در کار نفت ایران تلقی می‌کردند (سنگر صلح، ۱۳۳۱: ش ۶/۳۰۱) که سعی داشت با مبارزه با نهضت ملی ایران نقشه‌ها و تصمیمات خود را در شرق اعمال نماید (دنیای صلح، ۱۳۳۱: ش ۲/۳۱۰).

در مقابل آمریکا، به حمایت اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای صلح‌دوست جهان در دفاع از حقوق ملت ایران در لاهه و دیگر جاها اشاره می‌کردند؛ اما امپریالیست‌های آمریکایی در صف مقابل ملت ایران قرار داشتند و مردم نمی‌بایست از امکانات بین‌المللی مساعدی که در جهت موافق پیشرفت نهضت ملی ما وجود داشت، غافل می‌شدند (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۱/۷۸۴)؛ امکانات مساعد بین‌المللی همان کمک‌گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی بود.

ب. حزب توده و حضور مستشاران آمریکایی در ایران

مستشار، کارشناس خارجی است که در زمینه‌های مختلف نظامی، اقتصادی و فرهنگی تخصص دارد و به‌منظور بهبود اوضاع یک کشور در این زمینه‌ها، برای مدت محدود به او اختیاراتی داده می‌شود. نخستین بار پس از امضای قرارداد ۱۲۸۶ش./۱۹۰۷م. و تقسیم ایران میان انگلیس و روسیه و منطقه بی‌طرف، با تصویب مجلس به‌منظور تقلیل فشار دو دولت استعمارگر از ورود مستشار آمریکایی به ایران استقبال شد. مورگان شوستر به‌عنوان رئیس اولین گروه از این مستشاران آمریکا پس از انعقاد قرارداد ۱۲۹۸ش./۱۹۱۹م. با اختیارات مالی فراوان ریاست دارایی ایران را برعهده گرفت. ریاست دومین گروه که در ۱۳۱۰ش./۱۹۳۱م. به ایران آمدند، بر عهده آرتور میلیسو بود. در دوران نهضت ملی، ورود مستشاران آمریکایی به ایران به‌خصوص در زمینه نظامی افزایش یافت. این افزایش نفوذ موجب نگرانی کمونیسم بین‌الملل گردید و حزب توده نیز در این راستا دست به تبلیغات وسیعی زد و به بزرگ‌نمایی حضور آنها پرداخت (منصوری، ۱۳۸۹: ۲۴۹). در ۱۳۲۹ش./۱۹۵۰م. پیمان آتلانتیک شمالی به امضای بیست کشور در واشنگتن رسید که هدف اصلی آن، همکاری سیاسی - نظامی بین اعضا بود. در ۱۳۳۰ش./۱۹۵۱م. موضوع پیوستن کشورهای خاورمیانه از جمله ایران به پیمان تدافعی خاورمیانه به وجود آمد. روزنامه مصلحت با پرداختن به این موضوع، سامانه دفاعی را کوشش جنایتکارانه امپریالیست‌های آمریکایی برای راه‌اندازی جنگ جدید، تهیه مقدماتی برای ایجاد کمربند تهاجمی و دسته‌بندی‌های تجاوزکارانه علیه اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای دموکراسی توده‌ای و چین به‌منظور تسلط و تصاحب جهان دانست (مصلحت، ۱۳۳۱: ش ۴/۴۹) و ضمن مخالفت با پیوستن ایران به این پیمان، وخیم‌شدن اوضاع اقتصادی کشورهای فرانسه، بلژیک، انگلیس، لوکزامبورگ، هلند و ایتالیا را به شرکت در پیمان تدافعی آتلانتیک مرتبط نشان داد و اعلام کرد آمریکا سعی دارد ایران را نیز در یک بلوک تجاوز، جنگ، ویرانی، فقر و بیکاری شرکت دهد و به صحنه تجاوز به شوروی تبدیل سازد (همان، ۱۳۳۰: ش ۱/۵۶؛ ارزش کار، ۱۰ اسفند ۱۳۳۰: ش ۱/۱۰) که در این صورت جوانان کشورهای خاورمیانه مانند گوشت دم توپ استفاده خواهند شد (همان، ۱۳۳۱: ش ۱/۱۱۵).

البته ایران در ۱۳۳۴ش./۱۹۵۵م. به این پیمان پیوست که چهار سال بعد به سنتو تغییر نام یافت. هدف نهایی پیمان، حفظ ذخایر و منابع نفتی خاورمیانه در مقابل نفوذ دولت شوروی بود؛ به‌همین دلیل مطبوعات توده با آن مخالف بودند.

پس از جنگ جهانی دوم و شروع جنگ سرد، جهان میان دو قدرت آمریکا و شوروی و دو ایدئولوژی سرمایه‌داری و کمونیسم تقسیم شد و آمریکا در صدد انجام اقداماتی برای

مقابله با این موضوع برآمد. در این میان، یکی از برنامه‌های مهم این کشور تلاش برای کاهش فقر و بهبود اقتصادی کشورهای جهان سوم بود. در چهارچوب اصل چهار ترومن، برخی کمک‌های اقتصادی و فنی و وام‌های بانکی در اختیار ایران قرار گرفت که در حوزه‌های مختلفی از قبیل بهداشت و درمان، آموزش، امور روستایی و برخی طرح‌های اقتصادی هزینه شدند. جمعیت ملی مبارزه با استعمار در راستای سیاست شوروی، قبول اصل چهار ترومن و موافقتنامه‌هایی را که میان دولت جبهه ملی و اداره اصل چهار در کشاورزی، بهداشت و فرهنگ ایجاد شده بود، موجب اعمال نفوذ آمریکا در کشور بیان کرد (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۱/۱۸۴) و این‌گونه نشان داد که کمک‌های اصل چهار ضربه بزرگی بر پیکر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد خواهد کرد و قدم بزرگی برای کشاندن ایران به جبهه جنگ بین‌المللی خواهد بود (نامه ماندا، ۱۳۳۰: ش ۱/۱۳). مطبوعات حزب توده هدف اداره اصل چهار را تحقق هدف‌های امپریالیسم آمریکا بیان کردند و از مردم خواستند که مداخلات علنی دولتی استعماری را تحت عنوان کمک تحمل نکنند (رنگین‌کمان، ۱۳۳۲: ش ۱/۲).

با ازسرگیری کمک نظامی آمریکا به ایران در ۱۳۳۱ ش. / ۱۹۵۲ م. مصدق در دیدار با هندرسن، پذیرش کمک نظامی را به دلیل حملات به خود از جمله از سوی حزب توده با احتیاط پذیرفت (هوشنگ‌مهدوی و اندرودی، ۱۳۷۷: ۵۶۰). هنگامی که متن نامه‌های مصدق و هندرسن در باره این کمک‌ها منتشر شد، روزنامه شهباز نامه‌ها را حاوی جملات مبهم و کش‌دار دانست که با عوام‌فریبی سعی دارند بار سنگین تسلیحات را بر دوش مردم بگذارند (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۱/۲۰۱) و بین اصل چهار ترومن و تأسیس اداراتی در این راستا برای جاسوسی پیوند برقرار شد (ناقوس خطر، ۱۳۳۱: ش ۱/۲۲). هدف، تشویش اذهان عمومی در مورد تسلط آمریکا بر تمامی امور کشور و تبدیل ایران به آلت بی‌اراده امپریالیست‌های آمریکایی بود (مصلحت، ۱۳۳۱: ش ۱/۹۴). افزایش قدرت مستشاران آمریکایی در ارتش و جاهای دیگر مانع از شکل‌گیری اعتصاب‌های گوناگون و ایجاد اغتشاش توسط حزب توده می‌شد؛ بنابراین، حضور آنها را با کنترل کارخانه‌ها و مؤسسات دولتی، سرکوب جنبش کارگری و با آتش و خون مساوی می‌دانستند (جهان‌بین، ۱۳۳۱: ش ۱/۶۸۳).

یکی از شروط کمک‌های اصل چهار ترومن، صادر نکردن کالاهای استراتژیک به کشورهای بلوک شرقی برای دفاع از کشورهای جهان آزاد بود که به زیان شوروی تمام می‌شد؛ بر این پایه، روزنامه‌های توده پذیرش این کمک‌ها را تجاوز امپریالیسم آمریکا به استقلال کشور نشان می‌دادند، در نتیجه از دولت می‌خواستند با عقد قراردادهایی ایران را

به سوی نیستی هدایت نکند و همچون کشور ترکیه که اسیر آمریکا شده بود، ملت را قربانی اهداف خود نسازد (رنج و گنج، ۱۳۳۱: ش ۱/۷۶). با تلقین این موضوع که کمک‌های آمریکا به کشورهای عقب‌مانده، پیشرفت آنها را به کلی از بین می‌برد و آمریکا می‌خواهد از ثروت این کشورها برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کند، سعی می‌کردند افکار عمومی را در باره این کمک‌ها پریشان کنند تا دولت در اثر فشار اقتصادی مجبور به هرگونه سازش با انگلستان در زمینه نفت شود. در آمریکا، دولت آیزنهاور به کشورهای اروپائی اعلام کرد کمک آمریکا را قطع شده فرض نمایند. در نتیجه، مطبوعات حزب توده شروع به تبلیغات گسترده‌ای علیه آمریکا کردند و نوشتند آمریکا تنها به علت وجود شوروی در همسایگی ایران تهدید به استفاده از نیروهای مسلح در ایران نکرده است و حمایت نماینده شوروی از حق حاکمیت ایران در شورای امنیت و سازمان ملل متحد را یادآور شدند (شهباز، ۱۳۳۲: ش ۱/۵۷۳). با تبلیغ این دلسوزی‌های ظاهری دستگاه سیاسی شوروی، سعی در دامن‌زدن به آتش نیمه‌خاموش نفاق و اختلاف داشتند.

تبلیغ رابطه با اتحاد جماهیر شوروی

پس از جنگ جهانی دوم در تبلیغات سیاسی شوروی فصل تازه‌ای آغاز شد. در مطبوعات حزب توده موجی از تبلیغات علیه جهان سرمایه‌داری و امپریالیسم و تصاویری خوش‌بینانه از زندگی در اتحاد جماهیر شوروی، منعکس و رابطه با جمهوری‌های توده‌ای به‌عنوان یک الگو معرفی می‌شد. شوروی کردن اروپای شرقی در سال‌های نخست جنگ سرد یکی از برنامه‌های استالین بود و افرادی که در زمان جنگ در شوروی آموزش دیده بودند، در این کشورها به قدرت رسیدند؛ از جمله در لهستان، مجارستان، چکسلواکی و رومانی. مطبوعات ضمن انعکاس و ستایش موفقیت‌هایی که کشورهای بلوک شرقی تحت تسلط شوروی به‌دست آورده بودند، تأکید می‌کردند که ملت ایران از صمیم قلب خواهان دوستی با ملل اتحاد جماهیر شوروی است (بسوی آینده، ۱۳۲۹: ش ۱/۱۵۴). در سال‌های بعد، ضمن انتشار اخبار کمک‌های شوروی به کشورهای دموکراسی توده‌ای، استالین را به‌عنوان رهبری معرفی می‌کردند که صنایع غیرنظامی و مراکز هیدروالکتریک عظیم و سد‌های بزرگ آبیاری را توسعه داده است (بانگ مردم، ۱۳۳۲: ش ۱/۲۱) و در اثر تلاش‌های او همه زحمتکشان و جوانان بدون هیچ اختلاف و نگرانی مادی از خدمات رایگان بهره‌مند می‌شوند (ظفر، ۱۳۳۱: ش ۲/۱۳۵). تبلیغات ضدامپریالیسم حزب توده در مورد مزد کارگران این‌گونه وانمود می‌کرد

که علی‌رغم افزایش دو برابری قیمت‌ها پس از جنگ در کشورهای غربی، چندین مرتبه دستمزد کارگران کاهش داشته است. مطبوعات حزب توده با انعکاس موفقیت‌هایی که شوروی در زمینه تقلیل قیمت‌ها به دست آورده بود، از طریق آمار نشان می‌دادند که بهای کالاهای مصرفی در کشورهای غربی روزبه‌روز افزایش می‌یابد؛ اما در شوروی حتی کاهش بهای خرده‌فروشی در مورد کتاب‌ها از جمله کتب درسی نیز صورت گرفته و تا ۱۸ درصد نیز ارزان‌تر شده است (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۳/۱۸۷). برای برون‌رفت از اوضاع بد اقتصادی کشور تأکید می‌کردند که اتحاد جماهیر شوروی مناسب‌ترین مشتری برای تجارت با ایران است و برای درهم‌شکستن محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها باید تجارت پایاپای با کشورهایی توسعه یابد که حاکمیت ما را محترم می‌شمارند (ناقوس خطر، ۱۳۳۱: ش ۱/۱۹). این تبلیغات فقط مختص شوروی نبود، بلکه سایر کشورهای به‌اصطلاح سوسیالیستی را نیز شامل می‌شد.

رومانی یکی از کشورهای اروپای شرقی و تحت تسلط شوروی بود. روزنامه‌های توده بهبود اوضاع زندگی کارگران صنعت نفت را در اثر استقرار دموکراسی توده‌ای در رومانی تبلیغ می‌کردند که حق کار برای همه افراد کشور تضمین می‌شود و دستمزد کارگران با توجه به کیفیت و کمیت کار آنها افزایش می‌یابد (رنج و گنج، ۱۳۳۱: ش ۲/۹۹). با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی، تئاتر، موسیقی، رقص و دسته‌های ارکستر سمفونیک و نوازندگان برای کارگران، اساس این قدرت خلق را اتحاد طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش نشان می‌دادند که برای آنها رفاه ایجاد کرده است (همان، ۱۳۳۱: ش ۲/۱۰۰). نبود رفاه در ایران را به انحصار قدرت در دست دولت‌ها و مجلس شورای ملی مربوط می‌دانستند و کشور رومانی را از نظر اثرات اصلاح پول، تنزل قیمت‌ها و تأثیر خوب آن بر سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم زحمتکش، الگویی مناسب معرفی می‌کردند (پایگاه آزادی، ۱۳۳۱: ش ۲/۱۱۰).

در باره چکسلواکی نیز به پیشرفت در زمینه محصول آهن و فولاد اشاره داشتند و شوروی را عاملی معرفی می‌کردند که دانش خود را در زمینه معادن، ماشین‌آلات و کارخانه‌های ذوب فلزات گداخته در اختیار چکسلواکی قرار داده بود (رنج و گنج، ۱۳۳۱: ش ۱/۹۰) و با نقل این‌گونه اخبار، استفاده از تجربیات شوروی را در ساختن کشور سوسیالیستی چکسلواکی مؤثر می‌شمردند (بسوی آینده، ۱۳۳۰: ش ۴/۲۴۶). با مقایسه وضع اقتصادی و صنعتی آذربایجان ایران و آذربایجان شوروی، تعداد مراکز صنعتی نفت، فلزکاری، برق و آبیاری بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی ایجادشده در آذربایجان شوروی را یادآور می‌شدند و در مقابل، بحران اقتصادی آذربایجان ایران را بی‌سابقه

می‌دانستند و علت این بحران را دخالت آمریکایی‌ها و واردشدن کالاهای آمریکایی بیان می‌کردند (نامه ماندا، ۱۳۳۱: ش ۲/۱۲). در باره کشور یوگسلاوی، چون حکومت مستقل از شوروی در این کشور تشکیل شده بود، روزنامه‌ها علیه آن تبلیغ می‌کردند، به قرض‌های این کشور از دولت‌های سرمایه‌داری اشاره می‌کردند و پایین‌آمدن سطح زندگی را نتیجه استقلال از شوروی می‌دانستند (پایگاه آزادی، ۱۳۳۱: ش ۴/۶).

مسابقه تسلیحاتی در کشورهای غربی را هم‌تراز با ویرانی تولیدات غیرنظامی و کاهش مزد زحمتکشان معرفی می‌کردند و مقالات زیادی در باره توسعه ساختمان‌های زمان صلح در شوروی و تأمین سطح زندگی تمام افراد نوشتند (همان، ۱۳۳۱: ش ۱/۱۸۹). وجود بیمه اجتماعی در شوروی به‌عنوان یک امتیاز معرفی می‌گردید و ضمن انتشار اخبار مربوط به بیمه اجتماعی در شوروی، مقاله‌های مفصلی در این زمینه نوشته می‌شدند که نمونه‌هایی از آن به شرح ذیل است:

«اتحاد جماهیر شوروی مترقی‌ترین بیمه اجتماعی جهان را دارد. اگر کارگر یا کارمندی بیمار شود اطمینان دارد که نه تنها پزشکان متخصص او را معالجه خواهند کرد بلکه از محل بیمه اجتماعی کمک خرج نقدی نیز دریافت خواهد کرد. به زنان کارگر و کارمند در صورت بارداری و وضع حمل برای مراقبت از نوزاد و تغذیه وی کمک خرج می‌دهند. کارگران و کارمندان نه تنها در موارد بیماری و حوادثی که برای شخص آنها پیش بیاید کمک خرج دریافت می‌کنند بلکه در صورتی که برای مراقبت و توجه از اعضای بیمار خانواده به‌صورت موقت از کار معاف شوند نیز کمک خرج نقدی به آنها داده می‌شود» (ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۲/۲۷). یکی از راهکارهای مهم برای بهبود شرایط اقتصادی، اشاره و تأکید بر تجدیدنظر قطعی در سیاست اداری و اقتصادی کشور بود. در همین راستا روابط بازرگانی و اقتصادی با شوروی و کشورهای دیگر که به حاکمیت ما احترام می‌گذارند تبلیغ می‌گردید (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۱/۲۷۶).

در مورد کشور لهستان تبلیغات زیادی وجود داشت؛ از جمله اینکه بیمه اجتماعی در جمهوری توده‌ای لهستان به‌عنوان الگویی معرفی می‌شد که به زحمتکشان داده می‌شود تا بتوانند به‌صورت رایگان معالجه شوند و مستمری بازنشستگی در برابر حوادث و بیماری دریافت کنند (رنج و گنج، ۱۳۳۱: ش ۱/۱۲۸). این مطبوعات ضمن تأکید بر انعقاد قرارداد بازرگانی با جمهوری لهستان معتقد بودند که کمک بزرگی به اقتصاد ایران می‌کند و با امضای قرارداد بازرگانی میان ایران و لهستان در ۱۶ مهر ۱۳۳۱ش / ۸ اکتبر ۱۹۵۲م. در

مقاله‌ای مزایای آن را بررسی کردند؛ از جمله اینکه کالاهایی که لهستان به ایران تحویل می‌دهد، همه از کالاهای مصرفی هستند، در عوض از ایران کالاهایی تحویل گرفته می‌شود که به صادرات ایران و به تولیدکنندگان آن کمک فراوانی می‌کند. با اشاره به آمادگی لهستان برای خریداری نفت ایران، از دولت می‌خواستند به تقاضای خرید نفت چکسلواکی، مجارستان و لهستان ترتیب اثر دهد و با آنها قرارداد فروش نفت منعقد سازد تا از بن‌بست اقتصادی نجات یابد (سرود پیروزی، ۱۳۳۱: ش ۲/۳۳۱). یکی دیگر از کشورهای توده‌ای نفوذ شوروی بود و اخبار آن توسط این مطبوعات منتشر می‌شد، جمهوری توده‌ای مجارستان بود و با نقل اخبار و طرح مسائلی چون «کار اساس نظام اجتماعی در جمهوری توده‌ای مجارستان است و در کشور ما تنها چیزی که ارزش ندارد، کار است»، سعی در ایجاد نارضایتی از اوضاع اقتصادی کشور و ترویج اصول مارکسیسم داشتند. در همین زمینه، روزنامه ارزش کار که بیشتر در باره مسائل اقتصادی قلم‌فرسایی می‌کرد، در مقاله‌ای تصوینامه آزادی فروش محصولات در مجارستان را به‌نفع دهقانان دانست که در نتیجه آن هر یک از آنها کوشش خواهند کرد حداکثر محصول را از زمین خود به دست آورند و رفاه خود را افزایش دهند (ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۱/۲۸).

بازرگانی خارجی ایران را نظیر سایر کارهای دولت مصدق بر اساس دنباله‌روی از تمایلات امپریالیسم آمریکا ارزیابی می‌کردند و تأکید داشتند که کشور با اتخاذکردن خط مشی صحیح در تجارت خارجی خود هر روز بیش از پیش به ورشکستگی کشیده می‌شود: «دولت دکتر مصدق به‌جای اینکه با جمهوری توده مجارستان روابط بازرگانی ایران را توسعه دهد، از کشور کوبا به‌وسیله اصل چهار ترومن شکر معامله می‌کند و پول آن را با نرخ آزاد دلار تسعیر می‌کند تا مصارف ریالی جاسوسان اصل چهار را در ایران فراهم سازد» (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۱/۴۳۴). آنها از دولت می‌خواستند همان‌طور که ادعا می‌کند مشی ضداستعماری دارد، از معاملاتی که به‌ضرر ایران است و از ورود کالاهای بنجل به کشور خودداری کند و راه جلوگیری از خروج ارز از کشور را «انعقاد قراردادهای تهاتری با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای توده‌ای» بیان می‌کردند (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۱/۴۶۰؛ خلق، ۱۳۳۲: ش ۱/۷۱)، به این دلیل که در قراردادهای تهاتری دیگر احتیاجی به تهیه ارز نیست و احتیاجات اساسی خود را وارد و در مقابل کالاهای تولیدی خود را می‌توان صادر کرد. در اوایل ۱۳۳۲ ش. / ۱۹۵۳ م. و امضای قرارداد بازرگانی ایران و شوروی از دولت خواستند که روابط بازرگانی با کشورهای دمکراسی توده‌ای در هر مقیاس و وسعت به پیروی از افکار

عمومی افزایش یابد. روزنامه مصلحت دیگر روزنامه توده‌ای، توسعه روابط اقتصادی ایران با اتحاد شوروی را گام بزرگی در راه غلبه بر مشکلات مالی و شکستن محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها بیان کرد (مصلحت، ۱۳۳۲: ش ۱/۱۳۵). در همین راستا، افکار عمومی را تنها قانع به همین مذاکرات نمی‌دانستند و برای تحکیم پایه‌های استقلال و حاکمیت ملی ایران خواستار روابط نزدیک‌تر بودند: «برقراری و توسعه روابط دوستانه سیاسی و اقتصادی با همسایه سوسیالیستی ما اتحاد شوروی در مرکز توجه افکار عمومی ایران قرار گرفته است. حکومت دکتر مصدق باید بی‌درنگ برای اجرای نظریات افکار عمومی به اقدامات جدی برای تحکیم دوستی دو کشور همسایه مبادرت ورزد» (رنگین کمان، ۱۳۳۲: ش ۱/۱۱).

مطبوعات حزب توده به‌منظور درهم‌شکستن توطئه‌های امپریالیستی و رفع بحران مالی و اقتصادی بر گسترش روابط بازرگانی با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای دمکرات اروپا و چین تأکید می‌کردند و با صحبت از فروش نفت، نخریدن آن از جانب شوروی را بی‌اساس می‌دانستند. آنها از دولت مصدق می‌خواستند از این مذاکرات به‌عنوان بزرگ‌ترین وسیله برای احیای استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بر ضد تحریکات و تعدیات روزافزون استعمارگران آمریکایی و انگلیسی استفاده کند: «ملت ایران با اشتیاق فراوان منتظر حسن ختام مذاکرات با اتحاد جماهیر شوروی است. به‌منظور اخلاص در این مذاکرات، باندی از مطرودین و منفورین از آیزنهاور و دالس تا فرامرزی و خلیل ملکی به وجود آمده است» (شهباز، ۱۳۳۲: ش ۱/۵۷۵) و تأکید می‌کردند که توسعه تجارتنی با اتحاد جماهیر شوروی به این وضع اقتصادی کشور خاتمه می‌دهد (رنج و گنج، ۱۳۳۲: ش ۲/۱۲۳).

تبلیغ شوروی به‌عنوان نماد صلح بین‌المللی

در تبلیغات روزنامه‌های توده‌ای برای اتحاد جماهیر شوروی، بودجه این کشور بودجه صلح نام داشت، به‌دلیل اینکه رشد بودجه دولت شوروی نمودار رشد و تحکیم اقتصاد سوسیالیستی و ارتقای رفاه عمومی بود که قدرت خرید مردم را افزایش داد و کاهش قیمت کالاها را در پی داشت، در حالی که در آمریکا و انگلستان، مهم‌ترین منبع درآمدها مالیات از مردم بود (بسوی آینده، ۱۳۳۰: ش ۴/۲۸۶). از دیگر عوامل صلح‌طلبی شوروی، پیشنهادهای آن کشور در شورای امنیت مبنی بر اعلام وضع تسلیحات در کشورهای مختلف و تشکیل ارگان نظارت بین‌المللی به‌منظور تفتیش و نظارت بر اجرای تعلیمات مجمع عمومی در کار شورای امنیت بودند: «اتحاد شوروی همیشه و در همه حال به‌طور تزلزل‌ناپذیری سیاست

حمایت از صلح را تعقیب کرده است. مبارزه به خاطر صلح و امنیت تمام ملل و جلوگیری از جنگ و رسواساختن جنگ‌افروزان سیاست خارجی اتحاد شوروی را در تمام مراحل آن تشکیل داده و می‌دهد» (ناقوس خطر، ۱۳۳۰: ش ۳/۱۰). در جایی دیگر، این موضوع را ترویج دادند که نه تنها استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه توسط شوروی تهدید نمی‌شود، بلکه شوروی در باره استقلال کشورها نظر مساعدی دارد و بهترین راه برای جلوگیری از جنگ جهانی دیگری را فعالیت صلح‌طلبان در کشورهای خاورمیانه بیان می‌کردند (همان، ۱۳۳۰: ش ۲/۴) که شامل فعالیت‌های به ظاهر صلح‌طلبانه حزب توده به نفع شوروی نیز می‌شد.

جنگ کره یکی دیگر از مسائلی بود که در ارتباط با صلح به طور گسترده مطرح می‌شد. یک سال پس از جنگ جهانی دوم و شکست ژاپن، شوروی از کره شمالی و حکومت دست‌نشانده کمونیستی حمایت کرد. قسمت جنوبی نیز تحت تسلط آمریکا قرار گرفت. با تجهیز ارتش کره شمالی توسط شوروی و حمله به کره جنوبی در ۱۳۲۹ ش. / ۱۹۵۰ م. همه جهان غافلگیر شد؛ اما یک سال بعد مذاکرات صلح آغاز شد. از نظر مطبوعات حزب توده، شوروی مبتکر مذاکرات متارکه جنگ بود. مداخله جریان آمریکایی در کره، تجاوز آمریکا به سایر کشورهای آسیایی و توسعه جنگ در خاور دور قلمداد شد و با بیان اینکه طرح‌های آمریکا اصلاً موضوع آتش‌بس در کره و حل عادلانه مسئله کره را مطرح نمی‌سازد، سعی در کمک به کمونیسم شوروی داشتند: «طرح‌ها و پیشنهادات آمریکا و هواداران وی در دوره‌های اجلاس مجمع عمومی اصلاً موضوع آتش‌بس در کره و حل عادلانه مسئله کره را مطرح نمی‌سازد.» (پایگاه آزادی، ۱۳۳۱: ش ۱/۳۳). پایان نیافتن جنگ کره عوامل گوناگونی داشت که مطبوعات حزب توده یکی از آن عوامل را بی‌ثباتی اقتصاد آمریکا عنوان کردند (بسوی آینده، ۱۳۳۱: ش ۲/۷۲۳). یکی از کارهای شوروی برای تبلیغ صلح به نفع خود، تشکیل شورای جهانی صلح بود. این شورا در جلسات متعدد معتقد بود که برای حفظ صلح باید راه تهاجم به استقلال ملت‌ها را مسدود ساخت (همان، ۱۳۳۱: ش ۳/۷۲۸). پس از مرگ استالین، او را پرچم‌دار صلح و رهبر بشریت ترقی‌خواه در تمام جهان معرفی کردند که ایمان خود را به حفظ صلح به وسیله مذاکرات مسالمت‌آمیز ابراز داشت و مبتکر سیاست صلح شوروی بود: «تردیدی نیست که استالین به‌طور خستگی‌ناپذیری در راه صلح مجاهدت می‌کرده، زیرا منافع اتحاد شوروی با منافع صلح منطبق بوده و می‌باشد» (بانگ مردم، ۱۳۳۱: ش ۲/۱۰). هر چند مذاکرات صلح در کره پس از مرگ استالین به نتیجه رسید و می‌توان به نقش استالین در این زمینه پی برد.

یکی دیگر از تبلیغات صلح‌دوستی به نفع شوروی، انعقاد پیمان صلح میان پنج قدرت جهان بود؛ زیرا اعتقاد داشتند به سبب اثر مهمی که دولت‌های بزرگ در جریان سیاست جهانی دارند، منشور ملل متحد مسئولیت حفظ و تحکیم صلح را به این دولت‌ها سپرده است (همان، ۱۳۳۲: ش ۲/۴۴). پیمان صلح میان پنج کشور را برای مردم ایران نیز سودمند می‌دانستند که در نتیجه آن مردم می‌توانستند خود را از ورود به معرکه‌هایی چون پیمان تدافعی خاورمیانه خلاص کنند و وطن خود را از تبدیل شدن به پایگاه جنگی رها سازند (دژ، ۱۳۳۲: ش ۲/۱). همیشه سعی در ایجاد این ترس داشتند که امپریالیسم آمریکا می‌خواهد ایران را به کره‌ای دیگر تبدیل سازد که هر کدام از این موارد به نفع تأمین منافع شوروی و امنیت این کشور بود. از همه نیروهای صلح‌دوست تقاضا می‌کردند سد راه جنگ‌افروزی آمریکا شوند و این کشور را عامل اصلی تجاوز به کره معرفی می‌کردند که نه تنها قصد ندارد به جنگ خاتمه دهد، بلکه می‌خواهد برای ادامه جنگ کره از ژاپن استفاده کند (بشریت، ۱۳۳۱: ش ۱/۲۳). از دیگر مصادیق سیاست صلح‌دوستی شوروی به پیشنهاد‌های صلح این کشور در تمام مجامع بین‌المللی اشاره می‌کردند: «سلاح اتمی باید بلاقید و شرط منع گردد، مجمع عمومی به پنج دولت بزرگ توصیه کند که ثلث نیروهای مسلح و تسلیحات خود را ظرف یک سال تقلیل دهند، تمام دول مدارک رسمی و کامل مربوط به وضع تسلیحات و نیروهای مسلح خویش را که ارقام مربوط به سلاح اتمی و پایگاه‌های نظامی در کشورهای غیر نیز جزو آن است، تسلیم نمایند» (ناقوس خطر، ۱۳۳۰: ش ۱/۱۴). آمریکا در طرح مارشال، پیمان آتلانتیک و اصل چهار ترومن، کالاهایی به نام کالاهای استراتژیک را برای جلوگیری از تبادل آنها طبقه‌بندی کرد. مطبوعات توده این کار را موجب اختلال در روابط آزاد اقتصادی و تجارتی با کشورهای دمکرات و سوسیالیست اعلام کردند که قصد دارد مقاصد مغرضانه اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را که لازمه اش قطع روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای سوسیالیستی و توده‌ای است اجرا کند (همان، ۱۳۳۰: ش ۱/۱۶). این روزنامه‌ها در راستای سیاست اتحاد جماهیر شوروی از طبقه‌بندی کالاها انتقاد و آن را به عنوان قدمی در راه تهیه مقدمات جنگ سوم و برهم‌زدن صلح محکوم می‌کردند.

سازمان ملل متحد را به دلیل مخالفت با پیشنهاد‌های شوروی، نماینده دولت‌های امپریالیستی می‌دانستند که قصد دارد همکاری بین‌المللی را متزلزل کند و شورای جهانی صلح را که پیرو سیاست شوروی بود، صدای چهارده کشوری معرفی می‌کردند که در سازمان ملل متحد نماینده نداشتند (شهباز، ۱۳۳۱: ش ۲/۳۸۹). برای نمونه، این شورا در مورد

مسئله آلمان معتقد به برگزاری انتخابات آزاد در این کشور و انعقاد پیمان صلح از طرف آلمان با تمام دولت‌هایی بود که با هیتلر در جنگ بودند. البته این راه‌حل به‌نفع سیاست شوروی در اروپای شرقی بود و تسلط دولت‌های غربی بر آلمان را کاهش می‌داد. در شوروی تبلیغات وسیعی در باره صلح می‌شد؛ از جمله تشکیل کنفرانس صلح در مسکو (پرچم خاورمیانه، ۱۳۳۰: ش ۳/۳). این کنفرانس برای تحقیق و مذاکره در باره توسعه مناسبات اقتصادی میان دولت‌ها بدون توجه به نظام اقتصادی و اجتماعی آنها برگزار گردید و موانع برقراری روابط اقتصادی را بررسی کرد. مطبوعات حزب توده از نظرات اتحاد جماهیر شوروی حمایت کرده و اعلامیه این کشور را مبنی بر توسعه بازرگانی و معاملات پایاپای با کشورهای مستعمره، نیمه‌مستعمره و وابسته ستایش کردند (ناقوس خطر، ۱۳۳۱: ش ۲/۲۰). همچنین با اشاره به کارشکنی‌های آمریکا و انگلیس معتقد بودند که دولت مصدق باید از این تسهیلات استفاده کند.

شوروی به‌دلیل کمبود امکانات نمی‌توانست شروع‌کننده جنگ جهانی سوم باشد؛ اما این مطبوعات به پیروی از سیاست شوروی همواره در باره شروع جنگ سوم به‌دلیل اقدامات نظامی و اقتصادی آمریکا قلم‌فرسایی می‌کردند. این حربه شوروی در طول جنگ سرد به‌ضرر دولت‌های غربی تمام می‌شد؛ زیرا آنها از ترس شروع جنگ توسط اتحاد جماهیر شوروی تسلیحات جدیدی می‌ساختند و با تجدید این تسلیحات هر سال بودجه هنگفتی صرف مخارج جنگی خیالی می‌کردند و این همان نقشه‌ای بود که شوروی برای تضعیف دولت‌های غربی در سر داشت (سیاست ما، ۱۳۳۱: ش ۱/۲۶).

حزب توده در راستای فعالیت‌های هواداری از صلح، در مرداد ۱۳۲۹ ش. / اوت ۱۹۵۰ م. جمعیتی به نام "جمعیت ایرانی هواداران صلح" در تهران تشکیل داد و از تمام افراد صلح‌دوست ملت ایران و از پدران و مادرانی که به آینده فرزندان خود علاقه‌مند بودند، درخواست کرد که به‌خاطر حفظ صلح، حفظ تمدن بشری، سعادت و آرزوهای انسانی به کوشش برخیزند و با عضویت در جمعیت هواداران صلح، پیکار صلح جهانی را تقویت نمایند، به صف دوست‌داران صلح بپیوندند و در این جهاد مقدس شرکت کنند. در اساسنامه این جمعیت، شرایط عضویت داشتن هجده سال تمام، قبول هدف جمعیت و معرفی دو نفر از اعضای جمعیت عنوان شد و از نظر تشکیلاتی شامل هیئت‌مدیره مرکزی، بازرس‌ها، بخش مالی، تشکیلات شهرستان‌ها و مجمع عمومی بود (مصلحت، ۱۳۲۹: ش ۶، ۸/۱). این جمعیت برای پیشبرد اهداف خود، روزنامه مصلحت را منتشر کرد و منظور از نهضت صلح را مبارزه

توده‌های خلق برای حفظ صلح و جلوگیری از جنگ جدید جهانی بیان کرد (بسوی آینده، ۱۳۳۱: ش ۲/۷۲۲). جمعیت در آغاز به جمع‌آوری امضا برای بیانیه استکهلم در راستای منع استعمال سلاح اتمی پرداخت. هواداران ایرانی صلح خود را وابسته به کمیته جهانی هواداران صلح می‌دانستند که با هدف تشدید فعالیت برای منع سلاح اتمی، تحدید عمومی و کنترل شده تسلیحات و محکوم کردن تجاوز در کره تشکیل شده بود (مصلحت، ۱۳۲۹: ش ۱/۴). این جمعیت هرگونه ارتباط با حزب توده را منکر بود؛ اما دادستانی ارتش در دوره رزم‌آرا مدارکی از ارتباط جمعیت با حزب توده به دست آورد که اعتراض جمعیت را برانگیخت و با بیان اینکه جمعیت ایرانی هواداران صلح ماهیت حزبی ندارد و در آن همه افراد کشور با هر مرام و عقیده سیاسی می‌توانند شرکت کنند، بر آن سرپوش گذاشت (بسوی آینده، ۱۳۲۹: ش ۱/۱۳۴). با اینکه روزنامه‌های شهپاز و بسوی آینده از جمعیت حمایت زیادی می‌کردند، باز هم وابستگی خود به حزب توده را منکر بودند.

رئیس این جمعیت، ملک‌الشعراى بهار و دبیر آن محمود هرمز بود. بهار در اولین کنفرانس جمعیت از روش دولت در خصوص فعالیت‌های بشردوستانه جمعیت انتقاد کرد؛ به‌خصوص در موضوع گرفتن امضا ذیل بیانیه استکهلم که مأموران انتظامی در شهرهای مختلف و حتی تهران گاه‌وبیگاه مزاحم هواداران صلح می‌شدند و حتی اطفالی را که برای حفظ آینده خود مشغول جمع‌آوری امضا بودند، توقیف می‌کردند (همان، ۱۳۲۹: ش ۲/۱۱۷) و تنها کشوری را که از سیاست صلح‌جویانه خود طی سال‌های زیاد منحرف نشده بود، اتحاد جماهیر شوروی می‌دانستند (همان، ۱۳۲۹: ش ۳/۱۴۶). نگاه جمعیت به نهضت ملی ایران به‌منزله مبارزه برای تأمین مزد و رفاه اقتصادی و کاستن شدت استثمار غارتگران نفت بود و مصالحه دفاعی خاورمیانه را نقشه امپریالیست‌ها برای تبدیل خاورمیانه به پایگاهی ضد کشورهای صلح‌دوست جهان معرفی می‌کردند (مصلحت، ۱۳۳۰: ش ۸/۲۶).

نتیجه‌گیری

ایران پس از ورود متفقین سعی کرد در رابطه با انگلیس و شوروی از آمریکا به‌عنوان وزنه تعادلی استفاده کند؛ بنابر این در صدد برآمد تا امتیازات نفتی را به شرکت‌های خارجی واگذار کند؛ اما متعاقب آن شوروی نیز خواستار امتیاز نفت شمال گردید. پس از جنگ جهانی دوم، شوروی از تخلیه ایران خودداری کرد و بحران آذربایجان و کردستان را به وجود آورد که مجلس پانزدهم به این حوادث پایان داد. تحت تأثیر جنگ سرد و رقابت با شوروی،

آمریکا برای نفوذ بیشتر در ایران به کمک‌های اقتصادی رو آورد. استراتژی شوروی پس از آن در جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا حرکت کرد و در این راستا از حزب توده استفاده نمود. پس از سوءقصد به محمدرضا شاه در ۱۳۲۷ ش. / ۱۹۴۸ م. فعالیت‌های حزب، غیرقانونی اعلام شد. در نتیجه فعالیت‌های مخفی به صورت تشکیل دسته‌ها و جمعیت‌هایی با نام‌های "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" و "جمعیت ایرانی هواداران صلح" درآمد که علاوه بر برپایی تظاهرات، روزنامه‌های وابسته مانند شهباز و مصلحت را در جهت تبلیغ اهداف کمونیستی شوروی منتشر کردند. از دیگر روزنامه‌ها می‌توان به سنگر صلح، نامه ماندا، نامه آذربایجان، ناقوس خطر، بانگ مردم، ارزش کار، رنج و گنج و بسوی آینده اشاره کرد. محتوای این مطبوعات دربردارنده مسائل مختلف سیاسی از جمله تبلیغ کمونیسم شوروی و تقبیح امپریالیسم آمریکا بود. در دوره نهضت ملی به دلیل مسئله نفت و مشکلاتی که با شرکت نفت ایران و انگلیس به وجود آمد، آمریکا به عنوان واسطه پیشنهادهای مختلفی را مطرح کرد. به دلیل جنگ سرد و رقابتی که میان آمریکا و شوروی وجود داشت، بلندگوهای کمونیسم شوروی تقبیح امپریالیسم آمریکا را در مطبوعات وابسته آغاز کردند. وساطت آمریکا در حل مسئله نفت را به پدیده استعمار که کمونیست‌ها در مقابل آن از امپریالیسم استفاده می‌کردند، نسبت می‌دادند و کمک‌های مالی و نظامی آمریکا را در قالب اعزام مستشار، خطری برای استقلال و حاکمیت ملی نشان می‌دادند. از طرف دیگر، با تمجید از فعالیت‌های شوروی در سطح جهان آن را نماد صلح بین‌المللی و در مقابل، آمریکا را نماد جنگ معرفی می‌کردند. آنها خواستار برقراری رابطه با شوروی در زمینه تجاری بر اساس معامله پایاپای بودند و بهبود اوضاع در کشورهای بلوک شرق را تحت تسلط شوروی می‌دانستند. این تبلیغات نوعی آمریکاستیزی را جهت تأمین سیاست‌های کمونیستی شوروی در ایران به وجود آورد.

عناوین نشریه‌های در دسترس حزب توده در دوره موردنظر

عنوان روزنامه	دوره انتشار	سردبیر
جهان زنان	۱۳۲۰ تا بعد از ۱۳۵۷ش. (انتشار نامنظم)	نجم‌الحاجیه هوشمند
مصلحت	۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ش.	احمد لنکرانی
رنج و گنج	۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ش.	محمدابراهیم منصوری
دانشجو	۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ش.	زیرنظر هیئت تحریریه
نامه ماندا	۱۳۳۰ش.	زیرنظر هیئت تحریریه
ناقوس خطر	۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ش.	ن. سحر
نامه آذربایجان	۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ش.	کاتوزی
ارزش کار	۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ش.	هوشنگ شاهی
خلق	۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ش.	مصطفی لنکرانی
پایگاه آزادی	۱۳۳۱ش.	احمد بصیری
بسوی آینده ^۱	۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ش.	محمود ژندی
شهباز ^۲	۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ش.	رحیم نامور

۱. در زمان توقیف، با این عناوین نیز منتشر شده است: بانگ مردم، رهبر مردم، رنگین‌کمان، دژ، قرن جدید، صلابت شرق، صلح پایدار، شجاعت، صبح تابان، عصر نو، جرس، ضد استعمار، نبرد توده‌ها، دموکراسی نوین، صبح زندگی، نغمه نو، نوید آینده، رستاخیز خلق، پیوند ما، آخرین علاج، عصر تابان و نبرد ملت.

۲. در زمان توقیف با این عناوین نیز منتشر شده است: دنیای پیروز، ندای خلق، سنگر صلح، گوشزد، محتسب امروز، آذربایجان غیور، زرغام شرق، جرقه شرق، سرود پیروزی، برای فردا، زبان خلق، دنیای صلح و مناعت.

منابع و مآخذ

فارسی:

- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- بختیار، تیمور، ۱۳۳۶، *سیر کمونیسم در ایران*، تهران: [بی‌نا].
- پیرنیا، حسین، ۱۳۳۱، *ده سال کوشش در راه حفظ و بسط حقوق ایران در نفت ۱۳۳۱-۱۳۳۰*، تهران: چاپخانه دانشگاه.
- دانشگاه جرج واشنگتن، ۱۳۹۱، *سیاست آمریکا در قبال ایران در طول جنگ سرد*، ترجمه: نعمت‌الله عاملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ذوقی، ایرج، ۱۳۶۸، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ*، تهران: پاژنگ.
- روحانی، فؤاد، ۱۳۵۲، *تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران*، تهران: فرانکلین.
- شارل موژه، فرانسوا و سورین پاکتو، ۱۳۷۷، *تاریخ روابط بین‌الملل*، ترجمه: علی بیگدلی و منصور رحمانی، تهران: عطا.
- شمیم، علی اصغر (مترجم)، [بی‌تا]، *تاریخ شوروی*، تهران: فرهنگ انسان.
- عظیمی، فخرالدین، ۱۳۷۲، *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز.
- فاتح، مصطفی، ۱۳۳۵، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران: شرکت سهامی چهر.
- کاشانی، محمود، ۱۳۹۸، *تاریخ مختصر نهضت ملی ایران*، تهران: پایدار.
- کدی، نیکی و مارک گازیوروسکی، ۱۳۸۶، *نه شرقی نه غربی: بررسی روابط ایران با اتحادیه شوروی و ایالات متحده آمریکا*، ترجمه: الهه کولایی، ابراهیم متقی و داوود آقایی، تهران: میزان.
- کولایی، الهه، ۱۳۷۶، *استالین‌سیسم و حزب توده ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ، ۱۳۷۹، *اتحاد شوروی و انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لنزوسکی، جرج، ۱۳۵۳، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه: حورا یآوری، تهران: جاویدان.
- منصوری، جواد، ۱۳۸۹، *آمریکا و خاورمیانه*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- موحد، محمدعلی، ۱۳۵۷، *نفت ما و مسائل حقوقی آن*، تهران: خوارزمی.
- ولیان، عبدالعظیم، ۱۳۴۵، *تضادهای سیاسی آمریکا و شوروی در کشورهای عربی خاورمیانه*، تهران: دانشگاه تهران.
- هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا و اصغر اندرودی، ۱۳۷۳، *سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۵۷-۱۳۰۰*، تهران: پیکان.

نشریات:

- روزنامه رزش کار، ۱۳۳۱/۱۱/۳، ش ۲۷؛ ۱۳۳۱/۱۱/۲۶، ش ۲۸، ۱.
- روزنامه بانگ مردم، ۱۳۳۲/۱/۱۷، ش ۲۱؛ ۱۳۳۱/۱۱/۱۵، ش ۱۰، ۲.

بازتاب سیاست ضدامپریالیسم شوروی در مطبوعات حزب توده (۱۳۳۲-۱۳۳۰ ش.) □ ۹۹

روزنامه بسوی آینده، ۱۳۳۰/۵/۲۷، ش ۲۴۵؛ ۱۳۲۹/۸/۱۵، ش ۱۵۴؛ ۱۳۳۰/۵/۲۸، ش ۲۴۶؛ ۱۳۳۰/۳/۱۴، ش ۲۸۶؛ ۱۳۳۱/۹/۱۹، ش ۷۲۲؛ ۱۳۲۹/۷/۱۸، ش ۳۴؛ ۱۳۲۹/۶/۲۸، ش ۱۱۷؛ ۱۳۲۹/۸/۱۵، ش ۱۴۶، ۳.

روزنامه بشریت، ۱۳۳۱/۸/۲۱، ش ۲۳، ۱.

روزنامه پایگاه آزادی، ۱۳۳۱/۶/۲، ش ۱۱۰؛ ۱۳۳۱/۵/۲۶، ش ۴، ۶.

روزنامه پرچم خاورمیانه، ۱۳۳۰/۱۲/۲۷، ش ۳، ۳.

روزنامه جهان بین، ۱۳۳۱/۷/۲۹، ش ۶۸۳، ۱.

روزنامه خلق، ۱۳۳۲/۲/۱۱، ش ۷۱، ۱.

روزنامه دژ، ۱۳۳۲/۳/۶، ش ۱، ۲.

روزنامه دنیای صلح، ۱۳۳۱/۶/۱۹، ش ۳۱۰، ۲.

روزنامه رنج و گنج، ۱۳۳۱/۳/۱۷، ش ۷۶؛ ۱۳۳۱/۸/۲۴، ش ۹۹؛ ۱۳۳۱/۶/۲۲، ش ۹۰؛ ۱۳۳۱/۴/۲۱، ش ۱۳۳۱؛ ۱۳۳۲/۱/۲۵، ش ۱۲۳، ۲.

روزنامه رنگین کمان، ۱۳۳۲/۳/۱۴، ش ۲، ۱؛ ۱۳۳۲/۵/۲۷، ش ۱۱، ۱.

روزنامه سرود پیروزی، ۱۳۳۱/۷/۱۷، ش ۲۳۱، ۲.

روزنامه سنگر صلح، ۱۳۳۱/۶/۸، ش ۳۰۱، ۶.

روزنامه سیاست ما، ۱۳۳۱/۴/۲۶، ش ۲۶، ۱.

روزنامه شهساز، ۱۳۳۱/۱۰/۷، ش ۱۰۵؛ ۱۳۳۱/۱۲/۱۲، ش ۷۸۴؛ ۱۳۳۱/۱/۱۶، ش ۱۸۴؛ ۱۳۳۱/۲/۷، ش ۲۰۱؛ ۱۳۳۲/۵/۲۰، ش ۵۷۳؛ ۱۳۳۱/۱/۲۰، ش ۱۸۷؛ ۱۳۳۱/۵/۸، ش ۲۷۶؛ ۱۳۳۱/۱۱/۲۵، ش ۴۳۴؛ ۱۳۳۱/۱۱/۲۶، ش ۴۶۰؛ ۱۳۳۲/۵/۱۷، ش ۵۷۵؛ ۱۳۳۱/۱۰/۲، ش ۳۸۹، ۲.

روزنامه ضد استعمار، ۱۳۳۱/۵/۲۸، ش ۶۳۴، ۱.

روزنامه ظفر، ۱۳۳۱/۱۱/۱۶، ش ۱۳۵، ۲.

روزنامه عصر نو، ۱۳۳۱/۳/۲۰، ش ۵۷۹، ۱.

روزنامه مصلحت، ۱۳۳۱/۷/۳، ش ۴۹؛ ۱۳۳۰/۲۲، ش ۱۱۵؛ ۱۳۳۱/۵/۲۲، ش ۹۴؛ ۱۳۳۲/۳/۲۰، ش ۱۳۵؛ ۱۳۲۹/۵/۲۴، ش ۱؛ ۱۳۲۹/۶/۱۴، ش ۴؛ ۱۳۳۰/۷/۲۵، ش ۲۶، ۸.

روزنامه ناقوس خطر، ۱۳۳۱/۱/۲۲، ش ۱۹؛ ۱۳۳۰/۱۱/۱۱، ش ۱۰؛ ۱۳۳۰/۹/۲۹، ش ۴؛ ۱۳۳۰/۱۲/۲، ش ۱۳؛ ۱۳۳۱/۵/۲۹، ش ۲۰؛ ۱۳۳۰/۱۲/۲۵، ش ۱۶، ۱.

روزنامه نامه آذربایجان، ۱۳۳۰/۱۱/۲۳، ش ۵، ۱.

روزنامه نامه ماند، ۱۳۳۰/۱۱/۹، ش ۱۳؛ ۱۳۳۱/۱۱/۸، ش ۱۲، ۲.

